

بررسی اصول سبک زندگی اسلامی انتظارمحور، در تعامل اجتماعی با اهل سنت

حسن ملایی^۱

چکیده

بسترسازی فرهنگی و اجتماعی برای تحقق حکومت عدل مهدوی، از جمله عوامل مؤثری است که در زمینه‌سازی برای ظهور دارای نقش مهمی است و اهمیت «سبک زندگی اسلامی بر محور انتظار موعود» را از این زاویه نیز می‌توان بررسی کرد. یکی از عرصه‌های سبک زندگی منتظران، تعامل آن‌ها با اهل سنت است که باورمندان به این مذهب نیز در اصل باورداشت مهدویت و در بسیاری از موضوعات فرعی آن با شیعه، همخوانی و اشتراک دیدگاه دارند. نوشتار پیش رو، در صدد یافتن پاسخ به چستی اصول تعامل با طرفداران این مذهب و موارد آن است تا در سایه آگاهی و عمل به آن، زمینه‌های اجتماعی ظهور تسهیل گردد. پژوهش حاضر که به روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی سامان یافته است، ده اصل از سبک زندگی اسلامی در نحوه تعامل منتظران با اهل سنت با هدف زمینه‌سازی برای ظهور را استخراج کرده است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، انتظار، مهدویت، اهل سنت، روابط اجتماعی، زمینه‌سازی ظهور.

نحوه تعامل شیعیان با اهل سنت، به گونه‌ای که بتوان مصالح اسلام و جوامع اسلامی را همسو با پیشبرد اهداف دین با آن در نظر گرفت؛ مقوله‌ای است که سالهاست اندیشمندانی از هر دو مذهب بر این مسئله تمرکز و راهکارهایی برای آن ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها به سبک زندگی مشترک شیعه و سنی مربوط است.

در این میان، گونه‌ای از سبک زندگی اسلامی بر محور انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تعریف شده است که گستره وسیعی دارد و علاوه بر شمول آن در روابط اجتماعی، دارای اصولی کلی بر روابط با اقوام و اصناف و مذاهب گوناگون است. در این زمینه، از جمله اصول مهم، سبک زندگی مسلمان منتظر در بعد اجتماعی و در تعامل با اهل سنت است که آثار و برکات فراوانی را هم با نگاه امروزی و هم با نگاه به زمینه سازی برای آینده روشن انسان‌ها، به‌ویژه مسلمانان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به دنبال خواهد داشت؛ زیرا چنان که در جای خود ثابت شده است، بسترسازی اجتماعی برای پذیرش حکومت عدل مهدوی، از جمله عوامل مؤثری است که نقش بالایی در زمینه‌سازی برای ظهور دارد و سبک زندگی و اصول برخاسته از آن نیز به عنوان یکی از موضوعات تأثیرگذار نقش قابل توجهی در این بسترسازی دارد. آنچه در این نوشتار، پیش روی شماست، پژوهشی توصیفی - تحلیلی است به منظور شناسایی این اصول و آنگاه شناساندن آن به همه دغدغه‌مندیانی که به دنبال تجمیع نیروی ملت‌های مسلمان برای تسریع در روند ظهور هستند.

بررسی‌ها در مورد پیشینه عنوان مقاله نشان می‌دهند با توجه به نو بودن طرح «سبک زندگی منتظرانه» (سبک زندگی اسلامی انتظارمحور)، اگرچه کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره عنوان مقاله و از جمله در مقوله وحدت و همبستگی با اهل سنت نوشته‌اند؛ اما از زاویه زمینه سازی ظهور و بازآفرینی سبک زندگی بر محور انتظار، به این مقوله پرداخته نشده است.

اول: مفهوم شناسی واژگان

پیش از هر گونه ورود به مباحث اصلی، شایسته است که واژگان دخیل در استنباط مقصود این نوشتار تبیین و تعریف شوند:

۱. مفهوم اصل

«اصل» به پایه و اساس هر چیزی گفته می‌شود که آن چیز بر آن استوار می‌گردد و البته در برخی نوشته‌ها به همان معنای مشترک با «مبنا»، به کار می‌رود؛ لکن مقصود ما از اصول، همانا قواعد کلی برگرفته از مبانی است؛ بدین صورت در به‌کارگیری واژه «اصول» در حوزه زندگی، می‌توان گفت: «اصول سبک زندگی، مشتمل بر سلسله‌ای از ضوابط، قواعد عام و کلی و مستمر است که با تکیه بر مبانی خود، پشتوانه فکری و اجرایی در زندگی قرار می‌گیرد.»^۱ در نوشتار پیش‌رو، این اصول از مبانی اعتقاد به مهدویت و انتظار امام مهدی علیه السلام و نیز متون اصلی پشتوانه این باورداشت استخراج خواهد شد. گفتنی است که برای اصول سبک زندگی تقسیمات متنوعی وجود دارند که این پژوهش بر اساس تقسیم سبک زندگی با توجه به مذهب مخاطبان، اصول کلی مواجهه با اهل سنت را - در محدوده تعاملات اجتماعی - ارائه می‌کند.

۲. مفهوم سبک زندگی

برخلاف تصور و برداشت عمومی از مفهوم ترکیب مذکور، «سبک زندگی» (Life Style) اصطلاحی است با معنای خاص که اولین بار توسط روان‌شناسی به نام آلفرد آدلر در سال ۱۹۲۹ ابداع شد. از منظر وی، سبک زندگی، به معنای کلیت بی‌همتا و فردی زندگی است که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند.^۲ بعدها دیگران سعی کردند با تقویت رویکرد اجتماعی به آن، تعریف روشن‌تر و کامل‌تری عرضه کنند. به عنوان نمونه، از نظر زیمل، سبک زندگی، عبارت است از تجسم تلاش انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادی خود در فرهنگ عینی‌اش و شناساندن آن به دیگران.^۳ در این زمینه تعاریف دیگری نیز از اندیشمندان این حوزه بیان شده است؛ اما در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که سبک زندگی، نظام اولویت‌های رفتاری مبتنی بر باورهای خاصی است که برای رسیدن به هدفی قابل توجه، در تعاملات فردی و اجتماعی، بروز می‌یابد.

۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه سبک زندگی، شماره ۱، ص ۴۸.

۲. مهدوی کنی، دین و سبک زندگی، ص ۵۳.

۳. کاویانی، سبک زندگی و ابزار سنجش آن، ص ۳۴.

۳. مفهوم انتظار در مهدویت

«انتظار» را در لغت به معنای چشم به راه بودن و نگران بودن^۱ معنا کرده‌اند؛ لکن این واژه در متون دینی و مهدوی اصطلاح و رویکرد ویژه‌ای می‌یابد که به صورت اجمال، عبارت است از چشم‌به‌راه بودن ظهور دوازدهمین امام از نسل رسول خدا ﷺ حضرت حجت بن الحسن علیه السلام که حکومت عدل جهانی را بر پایه اسلام بنا خواهد نهاد. چنین انتظاری با توجه به متعلق آن، آن گونه که در روایات مهدوی تشریح شده است، صرفاً حالتی درونی نیست و با خود لوازمی دارد. از همین رو، برخی اندیشمندان در مورد این انتظار گفته‌اند: «کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی انسان‌ها برای آنچه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار بیش‌تر و هرچه شعله آن فروزان‌تر و پر فروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیش‌تر خواهد بود.»^۲ چینی انتظاری از دو عنصر ترکیب یافته است «عنصر نفی» و «عنصر اثبات». «عنصر نفی، همان بیگانگی با وضع موجود و ناخشنودی از آن است و عنصر اثبات، امید به آینده‌ای روشن و آرمانی^۳ است و بر همین اساس، شخص منتظر، هیچ‌گاه نمی‌تواند نسبت به فراهم کردن زمینه‌های مردم برای قیام قائم آل محمد بی تفاوت باشد و به همین دلیل برای تهیه مقتضیات و بر طرف کردن موانع ظهور تلاشی بی وقفه دارد.

نکته مهم در این مقوله آن است که انتظار ظهور، تنها تلاش و رفتاری معمول نیست، بلکه براساس مجموع احادیث مهدوی در باب انتظار، باید آن را ملازم با جهاد معنا کرد؛ چرا که اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «افضل جهاد امتی انتظار الفرج»^۴ و نیز اگرچه انتظار، مفهومی وسیع را شامل می‌شود؛ انتظار فرج قائم آل محمد از مصادیق کامل آن خواهد بود. پس براساس بیان دقیق تری باید گفت: «انتظار، چشم‌به‌راهی قیام قائم صلی الله علیه و آله توأم با جهاد و تلاش برای آمادگی فردی و زمینه‌سازی اجتماعی به منظور پذیرش و شرکت در بزرگ‌ترین حماسه تاریخی نبرد حق و باطل به رهبری اوست و با این

۱. زبیدی، تاج العروس، ج ۷، ص ۵۳۹.

۲. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۱۸.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۸۲.

۴. ابن شعبه بحرانی، تحف العقول، ص ۳۷.

حساب، منتظر همان مجاهد و مبارز و زندگی او، زندگی جهادی معنا خواهد شد.^۱ بدیهی است تنظیم سبک زندگی بر محوریت این نگاه ویژه به مقوله انتظار؛ الگوی خاصی از سبک زندگی اسلامی را با کارکردهای مخصوص ارائه خواهد کرد و در عین بهره‌وری از معارف اسلامی، بر اولویت‌های متناسب با هدف زمینه‌سازی ظهور پای خواهد فشرد.

۴. مفهوم سبک زندگی انتظار محور و منتظرانه

بر مبنای مطالب پیشین، اگر انتظار ظهور امام عصر علیه السلام را به روحیه و رفتار جهادی در فراهم کردن زمینه‌های ظهور و آمادگی برای مبارزه در لشکر حضرت قائم علیه السلام معنا کنیم؛ در این صورت، سبک زندگی بر محوریت این انتظار را می‌توان این‌گونه معنا کرد: سبک زندگی منتظرانه عبارت است از التزام به مجموعه رفتارهای جهادی برخاسته از اعتقاد به امام زنده؛ حضرت حجت بن الحسن علیه السلام و انتظار دولت او در عصر غیبت؛ که با هدف زمینه‌سازی حکومت مهدوی بر اساس آموزه‌های اسلام شیعی صورت می‌گیرد.^۲ با توجه به این‌که این زمینه‌سازی برای ظهور در عرصه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صورت می‌گیرد؛ باید گستره سبک زندگی انتظار جهادی را شامل همه این عرصه‌ها دانست. البته این نوشتار، در صدد زمینه‌سازی‌های اجتماعی و تبیین نوع تعامل آن برای ظهور خواهد بود و از زمینه‌سازی در عرصه‌های دیگر باید در جای خود سخن گفت.

دوم: گستره سبک زندگی منتظرانه (انتظار محور) و جایگاه اهل سنت در آن

با توجه به روابط انسان‌ها، می‌توان رفتارها را در سبک زندگی منتظرانه، همانند سایر سبک‌ها، در چهار ارتباط مشهور انسان؛ یعنی ارتباط با خدا، با خود، با دیگران و با هستی طبقه‌بندی کرد؛ اما باید توجه داشت که بر اساس بینش توحیدی، تنها ارتباط اصیل در میان همه این ارتباطات، ارتباط با خدا- و به تبع آن، ارتباط با ولی خدا- است و سایر روابط مذکور باید بر همین اساس ساماندهی شوند. در حوزه ارتباطی با دیگران، که پیش فرض این مقاله است، می‌توان تقسیمات گوناگونی ارائه کرد؛ اما با توجه به این‌که ما انتظار را رفتاری جهادی و در مقابل دشمنان دین و مهدویت معرفی کردیم؛

۱. ملایی، ما منتظریم، ص ۳۴.

۲. همان، ۴۱.

می‌توان تقسیم‌جدیدی از ارتباط با انسان‌ها و بررسی سبک زندگی در تعامل با آن‌ها ارائه کرد که در تقسیم مورد نظر، انسان‌ها در نسبت با مهدویت، یا دوست (هم عقیده) هستند و یا نیستند و در بخش دوستان نیز یا هم دین شما هستند و یا نه. در قسمت غیر دوستان نیز یا مستضعف هستند، یا محارب و در ستیز.

با این تقسیم‌بندی، جایگاه اهل سنت در عرصه سبک زندگی اسلامی انتظارمحور نیز روشن می‌شود؛ زیرا با کاوشی که پژوهشگران در مقایسه شیعه و اهل سنت با عقیده مهدویت انجام داده‌اند و در کتابهایی همانند «اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت»؛ «بررسی تطبیقی روایات مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت»؛ «معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت» منعکس شده است؛ این گزاره مهم به دست می‌آید که باید در تعاملات اجتماعی منتظران، عموم اهل سنت را- با وجود برخی اختلافات- در بخش دوستانی که با مهدویت هم عقیده هستند، قرار داد که البته ممکن است اعتقاد و محبت به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه همانند شیعیان، تشکیکی باشد و لذا باید فقط ناصبی‌ها را که بنای دشمنی با اهل بیت رسول اکرم ص دارند، از این مجموعه خارج کرد. براساس چنین شناختی، می‌توان اصولی را که باید به عنوان منتظر در تعاملات اجتماعی با برادران اهل سنت به آن ملتزم بود؛ کشف کرد.

سوم: اصول سبک زندگی اسلامی انتظار محور در تعامل اجتماعی با اهل سنت

بر مبنای لزوم فراهم شدن بسترهای ظهور، هدف اصلی از سبک زندگی و مجموعه رفتارهای منتظر در عرصه‌های گوناگون؛ بی‌تردید، زمینه‌سازی برای ظهور و تشکیل حکومت مهدوی است.^۱ بخشی از این زمینه‌سازی در عرصه اجتماع و در روابط اجتماعی، با دیگران رقم خواهد خورد و آن، به معنای ایجاد رغبت و آمادگی برای پذیرش حکومت جهانی عدل مهدوی است. حال، سؤال این است که برای ایجاد چنین رغبتی، منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه در تعامل با اهل سنت که با ما در اصل مهدویت هم عقیده هستند و از دوستان ما محسوب می‌شوند؛ چه اصول اجتماعی را باید رعایت کرد. برخی از مهم‌ترین آن‌ها در ادامه خواهند آمد.

۱. نویسنده در کتاب «سبک زندگی منتظرانه» به ادله آن پرداخته است.

۱. اصل ارتباط با اهل سنت

ارتباط و هم‌نشینی با اهل سنت، از اولین اصولی است که در ترغیب و تجمیع قلوب بیش‌تر آن‌ها بسیار مؤثر خواهد بود؛ چرا که این هم‌نشینی، زمینه و آگاهی بیش‌تر آنان را به اهمیت و فضیلت مباحث مهدویت به همراه خواهد داشت. نگاهی به سیره امامان معصوم علیهم‌السلام که آرزوی تشکیل حکومت دینی را برای فراگیری اوامر خداوند داشتند؛ نشان می‌دهد که آنان با اهل سنت و کسانی که امامت معصومان را قبول نداشتند؛ اما به حکم آیه: «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۱ محبت و مودت اهل بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را لازم می‌شمردند؛ هم‌نشینی می‌کردند. به عنوان مثال امام صادق علیه‌السلام با عموم اهل سنت و عالمان آن‌ها روابط دوستانه داشتند و با آن‌ها با عطف و رفتار می‌کردند؛ سایر شیعیان را نیز بر این کار تشویق می‌کردند تا بر محبت آن‌ها نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام بیفزایند و اگر این امر میسر نشد، حداقل از بغض و سوء ظن آن‌ها به اهل بیت علیهم‌السلام بکاهند. ایشان بر این مبنا که: «أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ وَ النَّاسُ لَا يَبُدُّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ»^۲ کسی نیست که تا زنده است از مردم بی‌نیاز باشد و ناچار مردم باید با همدیگر سازش داشته باشند؛ در پاسخ به شخصی که از کیفیت ارتباط با اهل سنت پرسیده بود، پاسخ فرمودند: «تَنْظُرُونَ إِلَى أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ مَا يَصْنَعُونَ فَوَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرَضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»^۳ نگاه کنید به پیشوایان خودتان که از آن‌ها پیروی می‌کنید. هر طور که آن‌ها رفتار کنند، شما نیز آن گونه رفتار کنید. به‌خدا سوگند آن‌ها بیمارانشان را عیادت می‌کنند، و بر سر جنازه‌هاشان حاضر می‌گردند و به‌سود و زیان آن‌ها گواهی دهند و امانت‌های آن‌ها را به آن‌ها رد می‌کنند».

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام وقتی از نشانه‌های ناگوار اجتماعی و عدم صلاح رفتاری دانشمندان، ثروتمندان، فقیران و نادانان جامعه برای یاران خود صحبت می‌فرمودند شخصی از وظیفه اجتماعی خود می‌پرسید و ایشان پاسخ می‌فرمود: «خَالِطُوهُمْ بِالْبَرِّانِيَّةِ يَعْنِي فِي الظَّاهِرِ وَ خَالِفُوهُمْ فِي البَاطِنِ

۱. شوری: ۲۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۶۳.

۳. همان، ص ۶۳۶.

لِلْمَرْءِ مَا كَتَسَبَ وَ هُوَ مَعَ مَنْ أَحَبَّ وَ انْتَبِزُوا مَعَ ذَلِكَ الْفَرْجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛^۱ در ظاهر با آنان معاشرت داشته باشید؛ ولی در باطن [=عقیده] با آنان مخالفت ورزید که هر کس نتیجه کردار خود را خواهد برد و با هر کس دوست باشد، با او محشور خواهد بود و با این حال به انتظار فرج از جانب خداوند باشید.» این حدیث شریف به وضوح پاسخی است به رابطه بین حفظ عقیده و وحدت اجتماعی؛ چرا که عقیده به امر حقی، مطلبی درونی است که باید بر آن اصرار ورزید؛ اما وحدت بین مسلمین، موضوعی خارجی و اجتماعی است که ضرورت ثمردهی جامعه اسلامی و امنیت‌بخشی در برابر خطرهای دشمن، اقتضای آن را دارد. بدیهی است که این ارتباط، زمینه گفت‌وگوی علمی و رفع بسیاری از سوء تفاهات و در نتیجه بدرفتاری‌ها را به دنبال خواهد داشت و این، خود، فراهم کننده زمینه‌های اجتماعی ظهور، یعنی مطالبه‌گری عمومی و رغبت اجتماعی خواهد بود.

۲. اصل در نظر گرفتن ظرفیت

در معاشرت با مخاطبان، باید حتماً میزان «ظرفیت» و «توانایی» درک آن‌ها در نظر گرفته شود و این اصل مهمی است که فرامذهی بوده و به مذهب مخاطب مربوط نیست. به فرموده رسول اکرم ﷺ: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمُورًا أَنْ نَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛^۲ ما، انبیا مأموریم که با مردم به اندازه عقل‌هایشان سخن بگوییم.» درباره بیان معارف امامت و مهدویت نیز باید این‌گونه بود و ظرفیت مخاطبان اهل سنت را لحاظ کرد و نباید به بهانه این که اینان به امامت حضرت مهدی ﷺ معتقد نیستند، از دعوت آن‌ها به محبت و مودت به امام مهدی ﷺ کوتاهی ورزید. سلیمان بن خالد می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من خانواده‌ای دارم که از من شنوایی دارند؛ آیا آن‌ها را به امر امامت دعوت کنم؟ فرمود: «بله».^۳ در سخنی دیگر ایشان ضمن این که به جلب قلوب اهل سنت به اهل بیت توصیه می‌کنند؛ در عین حال توجه جدی به این نکته را نیز گوشزد کرده و می‌فرمایند: «تحمل امر امامت ما فقط به تصدیق آن نیست. از جمله تحمل امر ما پنهان داشتن آن از نا اهلش است. به شیعیان ما سلام برسان و به ایشان بگو: خدا رحمت کند بنده‌ای را که مودت مردم [=غیر

۱. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۱۱.

معتقد به امامت ما] را به سوی خود کشاند. آنچه را می‌فهمند، به آن‌ها بگویند و آنچه را نمی‌پذیرند، از آن‌ها بپوشید». سپس فرمود: «به خدا سوگند کسی که به جنگ با ما برخاسته است، زحمتش بیش‌تر نیست از کسی که چیزی را که نمی‌خواهیم، از طرف ما می‌گوید»^۱.

۳. اصل گفت‌وگو درباره مشترکات مهدویت

اصل دیگری که برای جلب قلوب اهل سنت باید مورد توجه باشد، استفاده از عنصر گفت‌وگو درباره باورهای مشترک است و این، خود، راهکاری است که قرآن کریم نیز به ما آموزش می‌دهد؛ آن‌جا که در زمینه گفت‌وگوی بین‌الادیانی نکته‌ای را به‌عنوان بایسته مطرح می‌کند: ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾^۲ و شما مسلمان‌ها با اهل کتاب [یهود، نصارا و مجوس] جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله نکنید؛ مگر با کسانی که از آن‌ها مرتکب ظلم و ستم شدند و به آن‌ها بگویند ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده است، ایمان داریم. معبود ما و شما یکی است و در برابر او همگی تسلیم هستیم».

بسیاری از موضوعات مشترک در حوزه معارف مهدوی، می‌توانند محور مشترک در گفت‌وگوهای شیعه و سنی قرار گیرند و این خود نکته مهمی است که بسیاری از طرفداران دو مذهب نسبت به آن بی‌اطلاع هستند. کتاب‌هایی که در این باره نوشته شده است و به برخی از این منابع در قبل اشاره شد؛ به مواردی همچون نسب حضرت مهدی از رسول خدا و حضرت فاطمه، فضایل، ویژگی‌های ظاهری، رسالت جهانی و خصوصیات حکومت فراگیر ایشان و مواردی دیگر تصریح کرده‌اند که هر کدام از آن‌ها می‌تواند موضوع خوبی برای گفت‌وگوهای مهدوی طرفین باشد و بدین گونه گفتمان مهدوی در زمینه‌سازی فکری و فرهنگی برای ظهور، در جوامع اسلامی بیش از پیش گسترش یابد، چرا که منتظر در سبک زندگی منتظرانه خود که هدف عالی آن زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام است؛ سعی می‌کند از همه ظرفیت‌های بینشی مخاطب در عرصه‌های مشترک مهدویت، به‌طور کامل استفاده کند.

۱. همان، ص ۲۲۳.

۲. عنکبوت: ۴۳.

۴. اصل شرح صدر در تعاملات و گفت‌وگوها

منتظران حکومت مهدوی، در سبک زندگی اجتماعی خویش، همانند همه انبیا و اولیای الهی برای رسیدن به مقصود، یعنی به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی ظهور، نیازمند ویژگی شرح صدر هستند و باید همانند حضرت موسی از خدای متعال درخواست کنند که «... رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»^۱. این ویژگی ممتاز اخلاقی سبب می‌شود تا شخص با قدرت روحی مثال زدنی، در مقابل برخوردهای اهل سنت، عکس العمل منطقی توأم با حلم و بردباری نشان دهد و زمینه را برای گفت‌وگوی طرفینی مهیاتر کند؛ در غیر این صورت و با برخوردی بی صبرانه و همراه با پرخاش و تحقیر، نه تنها به مقصود خود نخواهد رسید، بلکه این روش نتیجه عکس خواهد داد.

مروری بر سیره و سخن معصومان نشان دهنده آن است که رفتار همراه با شرح صدر همواره عملاً مورد توصیه اهل بیت بوده است؛ مفضل بن عمر می‌گوید: «روزی هنگام عصر در مسجد پیامبر بین قبر و منبر نشسته بودم که ابن ابی العوجاء وارد شد. با او در زمینه مسائل اعتقادی به بحث پرداختم. افکار شرک آلود او مرا به شدت ناراحت ساخت و لذا به او گفتم: ای دشمن خدا! آیا در دین خدا الحاد و کفر پیشه کرده‌ای و باری تعالی را که خالق توست، انکار کرده‌ای؟! ابن ابی العوجاء پاسخ داد: ای شخص! اگر اهل کلام هستی، با تو سخن گفتیم؛ اگر دلیلی بیاوری، از تو پیروی کنم و اگر اهل کلام نیستی، پس سخنی برای تو نیست. اگر تو از یاران جعفر بن محمد هستی، او چنین با ما سخن نمی‌گوید و با ما به این صورت مجادله نمی‌کند. او سخنان بیش‌تری از آنچه تو شنیدی، می‌شنود؛ ولی در خطاب او فحش نیست و در جواب ما تعدی نمی‌کند. او بردبار و عاقل و باوقار است و بدخلقی بر او عارض نمی‌شود»^۲.

نکته مهم در همین زمینه آن است که آنکه انتظار واقعی، شرح صدر به همراه خواهد آورد؛ زیرا امام کاظم علیه السلام فرمودند: «من ارتبط دابة متوقعا به أمرنا و یغیظ به عدونا و هو منسوب إلینا أدر الله رزقه و شرح صدره...؛ کسی که خود را به ما منسوب می‌داند، اگر حیوانی را مهیا نگه داشته و در انتظار امر ما به سر می‌برد و بدین وسیله دشمن ما را به خشم می‌آورد؛ خداوند رزقش را گسترش داده

۱. طه: ۲۵.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳، ص ۵۷.

و به او شرح صدر کرامت می‌فرماید...^۱ بنا بر این اگر کسی در خود این فضیلت اخلاقی را نمی‌بیند، باید در بهره‌مندی خود از اصل انتظار شک کند.

۵. اصل مساعدت و مهربانی

اصل مهم دیگری که در سبک زندگی منتظرانه و در تعامل با اهل سنت باید مورد توجه قرار گیرد؛ مهربانی با آنان و کمک به ایشان است تا با این برخورد، دل‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر و زمینه برای تبادل معارف مهدوی فراهم‌تر شود.

توضیح مطلب آن که به فرموده امام رضا علیه السلام: «الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّفِيقُ؛ امام، پدری مهربان، همدمی شفیق و همراهی خیر خواه است»^۲ و نیز امام زمان علیه السلام خود را این‌طور معرفی می‌فرمایند: «أَنْ رَحْمَةً رَبِّكُمْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَنَا تَلَكِ الرَّحْمَةُ؛ همانا رحمت پروردگارتان همه چیز را فراگرفته و من آن رحمت بیکران الهی هستم.»^۳ حال که چنین است، منتظران امام زمان علیه السلام باید از لحاظ اخلاقی خود را به امام خویش شبیه و رحمت و مهربانی را در تعامل با دیگران وجهه خویش کنند. این اصل مهم در سیره سایر معصومان علیهم السلام نیز قابل مشاهده است. معلی بن خنیس می‌گوید: در شبی تاریک امام صادق علیه السلام به مقصد سایبان بنی ساعده خارج شد؛ من نیز او را دنبال کردم. در این هنگام، چیزی از دوش امام افتاد. پس گفتم: «بِسْمِ اللَّهِ الْهَمُّ؛ خدایا! آنرا به ما بازگردان!» معلی می‌گوید: نزد او رفتم و سلام کردم. فرمود: «معلی هستی؟» گفتم: بلی، فدایت گردم. امام فرمود: «اگر چیزی دیدی که بر زمین افتاده است، به من بده.» من آنچه را افتاده بود، جمع کردم و به وی دادم. آنچه بود، کیسه‌ای بود چرمی پر از نان. به امام گفتم: فدایت شوم، اجازه دهید کیسه را من حمل کنم! امام فرمود: «خیر؛ من برای این کار از تو سزاوارتر هستم.» معلی می‌گوید: به راه ادامه دادیم تا به سایبان بنی ساعده رسیدیم. مردمی در آن جا خوابیده بودند. امام یکی دو نان زیر پیراهن هر یک از آن‌ها می‌گذاشت تا آن‌که به تمامی آنان نان رسید. در راه بازگشت، به امام گفتم: فدایت شوم، آیا این گروه، حق را می‌شناسند؟ فرمود: «اگر حق را می‌شناختند، آنان را در

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۳۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۰۰.

۳. یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۱۴.

نمک خود شریک می‌ساختیم»^۱.

۶. اصل بردباری در برابر اهانت

«حلم» و «بردباری» از دیگر اصولی است که منتظران حکومت الهی توسط امام زمان علیه السلام در تعاملات اجتماعی خود با همگان و از جمله با اهل سنت باید مراعات کنند تا زمینه‌های تألیف قلوب و آن‌گاه گفت‌وگوی طرفینی فراهم آید. زندگانی معصومان علیهم السلام پر است از بردباری ایشان برابر مخالفان خود. نقل شده است که حضرت علی علیه السلام در زمان خلافت در مسجد مشغول نماز جماعت بودند و در این حال مخالفان ایشان به مسجد می‌آمدند و در گوشه دیگر اقامه جماعت می‌کردند و مدعی بودند که حضرت علی علیه السلام کافر و مشترک است! ایشان در برابر آنان سکوت و رفتار آن‌ها را با بردباری تحمل می‌کردند.^۲ براساس روایتی دیگر، شخصی به نام مرازم می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای مرازم! اگر شنیدی مردمی مرا دشنام می‌دهند، چه می‌کنی؟» گفتیم: او را می‌کشم. امام فرمود: «مرازم! اگر شنیدی کسی مرا دشنام می‌دهد، کاری با او نداشته باش».^۳

علت توصیه به چنین رفتاری آن است که در نتیجه رفتار بردبارانه، سوء ظنی که مانع اعتماد به شخص است، از بین می‌رود و زمینه تحول روحی و حرف شنوی برای مخاطب فراهم خواهد شد و در چنین فضایی است که امکان گفت‌وگو درباره معارف مهدوی به وجود می‌آید. تاریخ از این تحول روحی گزارش‌های فراوانی ثبت کرده است. روزی امام سجاد علیه السلام همین که از مسجد بیرون آمدند، مردی به ایشان ناسزا گفت. اصحاب ایشان خواستند او را ادب کنند؛ اما امام سجاد آن‌ها را از برخورد تند باز داشتند و از در ملامت با آن بر آمدند. همین رفتار امام سبب شرمندگی وی و جذب او به امام سجاد علیه السلام شد.^۴

۷. اصل انصاف ورزی

آموزه‌های دین ما همواره تأکید می‌کنند که هر آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم بیسند

۱. صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۴۴.

۲. ر.ک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۶۰۳.

۳. اربلی، بن عیسی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۱۹۳.

۴. شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۷۱.

و این همان «انصافی» است که از سجایای اخلاقی محسوب می‌شود و اهل آن شبیه‌ترین مردم به پیامبر خدا ﷺ هستند. حضرت رسول ﷺ می‌فرمایند: «آیا شما را خبر ندهم که اخلاق کدام یک از شما به من شبیه‌تر است؟» عرض کردند: آری؛ ای رسول خدا. فرمودند: «آن کس که از همه شما خوش اخلاق‌تر و بردبارتر و به خویشاوندانش نیکوکارتر و باانصاف‌تر باشد»^۱.

«انصاف» یکی از اصول حائز اهمیت در سبک زندگی منتظرانه محسوب می‌شود و در تعامل با اهل سنت این اصل کاربرد ویژه‌ای می‌یابد؛ چرا که رعایت انصاف با ایشان، رضایتمندی از طرف مقابل را به دنبال خواهد داشت و همین رضایتمندی زمینه پذیرش سخن را فراهم خواهد آورد. از این رو امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ رُضِيَ بِهِ حَكْمًا لِعَيْرِهِ؛ هر کس با مردم منصفانه رفتار کند، دیگران داوری او را می‌پذیرند.»^۲ دلیل مطلب آن است که به فرموده امام جواد علیه السلام: «انصاف ورزی با دیگران یکی از اسبابی است که موجب ایجاد محبت در قلوب می‌شود»^۳ و همین محبت، سبب نزدیک شدن شیعه با اهل سنت خواهد شد تا آن‌جا که با وحدت و همدلی مبتنی بر انصاف، می‌توان در موضوع مهدویت و تلاش برای زمینه‌سازی حکومت مهدوی، کارهای بزرگی را سامان بخشید. حضرت علی علیه السلام نیز بر وحدت بخشی عنصر انصاف تأکید کرده و فرمودند: «الْإِنْصَافُ يَرْفَعُ الْخِلَافَ وَ يُوجِبُ الْإِثْتِافَ؛ انصاف؛ اختلافات را از بین می‌برد و موجب الفت و همبستگی می‌شود.»^۴

۸. اصل احترام و پرهیز از توهین

همان گونه که در پژوهش‌های مهدوی سال‌های اخیر، به ویژه در همایش‌های دکترین مهدویت مطرح و مضبوط شده است؛ منتظران امام زمان برای هر چه بیش‌تر زمینه‌سازی اجتماعی برای ظهور حضرت حجت، نیازمند گفت‌وگو با آحاد جامعه هستند. یکی از اصولی که باید در این گفت‌وگو، به ویژه با اهل سنت رعایت شود، اصل «احترام متقابل» است. باید دانست که آنچه در مباحث و گفت‌وگوها رهگشا است؛ «به‌کارگیری منطق و پرهیز از هرگونه توهین» است. سیره عملی معصومان علیهم السلام نیز

۱. طبرسی، بن فضل، مکارم الأخلاق، ص ۴۴۲.

۲. صدوق، علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۳.

۳. اربلی، بن عیسی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۴۹.

۴. آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۹۴.

نشان دهنده آن است که آن بزرگواران به عقاید اهل سنت حساس بودند و از هرگونه تحریک احساسات آن‌ها پرهیز می‌کردند؛ زیرا این امر موجب می‌شود فضای گفت‌وگو از فضای دوستی به دشمنی تغییر یابد و در این صورت مطلوب ما حاصل نخواهد شد. شخصی به محضر امام صادق علیه السلام آمد و گفت: یا ابن رسول الله! ما می‌بینیم در مسجد مردی را که آشکارا به دشمنان شما دشنام می‌دهد و سپس نامشان را می‌برد؛ آن حضرت فرمود: «مَا لُئِ - لَعْنَةُ اللَّهِ - يَعْزِضُ بِنَا و قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾؛ او را چه می‌شود! خدا لعنتش کند! ما را در معرض اذیت قرار می‌دهد. به تحقیق که حقتعالی فرموده است: دشنام مگویید آنان را که غیر خداوند را می‌خوانند [چون] آن‌ها خدا را به ظلم و تعدی بدون علم دشنام می‌دهند»^۱.

۹. اصل رعایت حقوق

هر کسی که با اسلام اندک آشنایی داشته باشد، به سهولت این نکته را در می‌یابد که «رعایت حقوق دیگران» از مسلمات این دین حنیف است تا جایی که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «جَعَلَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ؛ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ؛ خداوند سبحان، حقوق بندگانش را مقدمه حقوق خویش قرار داده است؛ هر کس بر حقوق بندگان خدا قیام کند، چنین کاری به رعایت حقوق الاهی منجر می‌گردد»^۲.

اساساً همه کسانی که منتظر امام زمان و حکومت عدل مهدوی هستند؛ به‌خوبی می‌دانند که از جمله وظایف حکومت اسلامی، ادای حقوق همگان است؛ به‌گونه‌ای امیر المؤمنین، علی علیه السلام در ابتدای پذیرش حکومت، به همین نکته اشاره کردند و فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمْتَ أَنْتَى لَمْ أَرِدِ الْأَثَرَةَ وَ لَا غُلُوَ الْمُلْكِ وَ الرِّيَاسَةَ وَ إِنَّمَا أَرَدْتُ الْقِيَامَ بِحُدُودِكَ وَ الْإِدَاءَ لِشَرْعِكَ وَ وَضَعَ الْأُمُورِ فِي مَوَاضِعِهَا وَ تَوْفِيرَ الْحُقُوقِ عَلَى أَهْلِهَا؛ خداوند! تو می‌دانی که من، آهنگ امارت و قرار گرفتن بر مسند پادشاهی و ریاست را ندارم، بلکه آرمانم: اقدام به [اجرای] حدود تو، اجرای [قوانین] دین تو، سامان دادن کارها در جاهای خویش و پرداخت حقوق به‌حقدار آن است»^۳. بنابراین، منتظران باید در همین

۱. صدوق، محمد بن علی، اعتقادات الامامیه، ص ۱۰۷.

۲. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۰.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۹۹.

زمانه، در زمینه تمرین ادای حقوق همه افراد و از جمله ادای حقوق اهل سنت تمرین کنند. همین تمرین، درجات اخلاص و توحید آن‌ها را افزایش خواهد داد، زیرا: «خداوند به سبب اخلاص و توحید، حقوق مسلمانان را محکم کرده است»^۱.

۱۰. اصل شجاعت در بیان عقاید صحیح

از اصل مهمی که منتظران و زمینه سازان ظهور حضرت مهدی علیه السلام باید در تعاملات اجتماعی با اهل سنت رعایت کنند؛ «بیان روشن باورها» است و این با وحدت و همدلی در مقابل دشمنان امام زمان علیه السلام منافاتی ندارد. به عنوان نمونه یکی از معدود اختلافات شیعه و سنی در مباحث مهدویت، تفاوت عقیده به زنده بودن امام مهدی علیه السلام است؛ زیرا بر خلاف شیعیان، اکثر اهل سنت به حیات فعلی امام مهدی علیه السلام قائل نیستند و معتقدند که ایشان در نزدیکی زمان ظهور متولد خواهد شد؛^۲ اگرچه برخی دیگر از علمای اهل سنت از قدیم و جدید به تولد امام زمان علیه السلام و زنده بودن ایشان اعتراف کرده‌اند.^۳ سؤال این است که آیا شیعیان منتظر، باید به انگیزه حفظ وحدت از باورهای خود دست بردارند؟ سیره معصومان چنین چیزی را نشان نمی‌دهد؛ زیرا آن بزرگواران در عین این‌که بر حفظ وحدت مسلمانان می‌کوشیدند؛ از بیان منطقی حقایق نیز صرفه نظر نمی‌کردند؛ کما این‌که توجه به هر دو اصل مذکور در سیره حضرت علی علیه السلام و سایر معصومان به چشم می‌خورد.

اگر فلسفه اصلی انتظار را کشف، بیان و تلاش برای حاکمیت حق بدانیم، بر همین اساس نمی‌توان به تصور آماده‌سازی جامعه برای ظهور از موضوع حیات فعلی امام عصر علیه السلام که بر مبانی محکم عقلی و نقلی مبتنی است و در جای خود به صورت مفصل به آن پرداخته شده است؛ چشم پوشید، بلکه به دلیل تأثیر اعتقاد به وجود حضرت مهدی علیه السلام بر تسریع زمینه سازی ظهور، می‌توان و باید همین موضوع را بدون درگیری‌های لفظی به گفتمان گذاشت و منصفانه ادله هر طرف را شنیده و در نهایت، جمع بندی موضوع را به مخاطبان واگذاشت. این نیز گفتمانی است که حتی در صورت عدم پذیرش وجود فعلی امام مهدی علیه السلام به دلیل مشترکات فراوان دیگر در موضوع مهدویت، بین دو مذهب شیعه

۱. رضی، نهج البلاغه، ص ۲۴۲، خ ۱۶۷.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۹۴.

۳. ابن حجر هبشی، الصواعق المحرقة، ص ۲۰۸.

و سنی، امکان وفاق، تجمیع و یکسو کردن فعالیت‌های شیعه و اهل سنت وجود دارد.

نتیجه‌گیری

بر اساس محوریت تلاش جهادی منتظران در سبک زندگی اسلامی در مورد زمینه سازی برای ظهور، یکی از عرصه‌های مهم را ارتباطات اجتماعی در تعامل با برادران اهل سنت که در بسیاری در موضوعات مهدویت با شیعه باورهای مشترک دارند؛ باید دانست و در همین زمینه منتظران حضرت، در سبک زندگی خود به رعایت اصولی موظف هستند تا در نتیجه آن، میزان هم‌افزایی شیعه با اهل سنت در مسیر تسریع ظهور بهتر و بیش‌تر صورت گیرد.

مهم آن‌که فضای معاشرت با اهل سنت، فضایی است که در آن باورمندان و دوستان حضرت و نه دشمنان ایشان قرار دارند. توجه به همین فضای دوستی است که اصولی همچون اصل ارتباط و نه جدایی، اصل در نظر گرفتن ظرفیت، اصل گفت‌وگو درباره مشترکات مهدویت، اصول شرح صدر، مساعدت و مهربانی، بردباری، انصاف، احترام متقابل، رعایت حقوق و شجاعت در بیان باورها را می‌توان استخراج و جامعه شیعی را نسبت به حفظ آن در روابط تشویق کرد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، امام امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب، گردآوری: محمد بن حسین رضیقم، انتشارات دارالهجرة، قم، بی تا.

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی بن حسین، ثواب الاعمال، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴.
۳. _____، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ق.
۴. _____، من لا یحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق.
۵. _____، اعتقادات الامامیه، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۴ق.
۶. ابن شعبه بحرانی، حسن، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.
۷. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
۱۰. کاویانی، محمد، سبک زندگی و ابزار سنجش آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۱.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، بی تا.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
۱۴. مهدوی کنی، محمدسعید، دین و سبک زندگی، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۸۷.
۱۵. یزدی حایری، علی، الزام الناصب، مؤسسة الأعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۱۶. رضائی اصفهانی، محمد علی، دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه سبک زندگی، شماره ۱.
۱۷. موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، انتشارات بدر، تهران، ۱۳۷۴.
۱۸. ملایی، حسن، سبک زندگی منتظرانه، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۹۵.
۱۹. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۲۰. آمدی، عبدالواحد تمیمی، تصنیف غرر الحکم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶.
۲۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶.
۲۲. ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، قاهره، بی تا، ۱۳۵۸ق.
۲۳. شوشتری، نورالله، احقاق الحق، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ق.

